



سارقان علمی را باید معرفی کرد



در حال حاضر جامعه ما دچار معضلی به نام کتاب‌سازی شده است. علت چیست و چه باید کرد؟

اصلی‌ترین علت کتاب‌سازی، مسئله نبود نقد است. در جامعه‌ای که نقد جدی نباشد، پژوهش درست انجام نمی‌شود. قدم اول نقد است که کاستی‌ها را مشخص می‌کند؛ بعد از آن مسئله پژوهش متولد می‌شود و نوبت پاسخگویی به پرسش است. تا دو مرحله قبل بخوبی انجام نشود، مرحله نهایی به ثمر نخواهد رسید. هر چند سال یک بار می‌گوییم علوم انسانی مرده است، حال آن که اینجا خود ما علوم انسانی را می‌کشیم. متأسفانه باید گفت که ادعای دانایی در این مملکت بسیار رواج دارد. کسانی ادعای فضیلت می‌کنند که شایستگی ندارند.

از دیگر آسیب‌هایی که میان منتقدان در حوزه پژوهش دیده می‌شود، کلی‌گویی و پرداختن به موضوعات فرعی است. علاوه بر این، تعارفات دوستانه نیز در میان پژوهشگران رایج است؛ به طوری که در اغلب جلسات نقد، میهمانان از سوی صاحب اثر تأیید می‌شوند. با این روند، نباید انتظار نقد جدی علمی داشته باشیم.

به عقیده شما نقد علمی باید در دانشگاه‌ها صورت بگیرد یا در رسانه‌ها بانی نقد باز شود؟

باید سارقان علمی را معرفی کرد. تنها راه این است که فضای صدا و سیما به سمتی پیش برود که اجازه معرفی آثار ضعیف و مؤلفان غیرحقیقی را نداشته باشیم. با این کار، نویسندگانی که شایستگی ندارند، منزوی می‌شوند. آسیب‌ها و نقایص موجود در حوزه علوم خود را به آسانی نشان نمی‌دهد. زمانی متوجه این معضلات می‌شویم که فرصت از بین رفته است. وقتی در جامعه کار جدی نباشد و کاسبی جدی باشد، هر کس به خود

اجازه ورود می‌دهد.

یعنی معتقدید جامعه در حال حاضر با کمبود نقد علمی مواجه شده است؟

ما بیشتر ادای نقد را در می‌آوریم؛ زیرا نقد به معنی جدید کلمه از غرب آمده و این نقد بر مبانی متعددی استوار است؛ از این رو، ابتدا باید معرفت‌شناسی جدید و منطقی در این زمینه صورت بگیرد. با این نگاه که با نظر بزرگان، راه بر پژوهش بیشتر یا نقد و بررسی بسته می‌شود، نقد در جامعه می‌میرد؛ نگاهی که سبب می‌شود گمان کنیم چون فلان استاد و پژوهشگر در مورد این موضوع نظر داده‌اند، به حقیقت کامل دست یافته‌ایم.

معضل کتاب‌سازی علاوه بر حوزه کتاب به مقالات و پایان‌نامه‌ها نیز سرایت کرده است. در این باره چه باید کرد؟

پایان‌نامه‌های دانشگاهی غالباً مجموعه‌ای از نقل قول‌های نویسندگان و پژوهشگران مختلف است. وقتی در دانشگاه‌ها با اطلاعاتی متعدد برای «تألیف پایان‌نامه» مواجه هستیم، چگونه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که پایان‌نامه‌ها پاسخگوی پرسش‌های علمی باشند؟ در جلسات داوری، بر اغلاط مطبعی، رونویسی و موضوعات تکراری ایراد گرفته می‌شود؛ نه روش و محتوا و این در حالی است که رساله‌های ما اغلب با رونویسی و گردآوری تنظیم می‌شود.

در زمینه‌های فرهنگی، گاه افرادی فعالیت می‌کنند که نه در علوم حوزوی تحصیلات بالایی دارند و نه مدارج دانشگاه را طی کرده‌اند؛ از این رو با ضعف مدیریت فرهنگی مواجه هستیم. این دست افراد کم‌کم برای خود پژوهشگاه تأسیس می‌کنند و جایگاهی درست می‌کنند؛ به همین دلیل است که نقد در حوزه علوم انسانی و دیگر علوم، جدی نیست. ■

* استاد بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی

